



بررسی انواع و شیوه های تعزیر و مجازات های تعزیری

لیلا حقیقی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابرکوه

Email: (Leilahaghighi77@yahoo.com)

چکیده

هدف از نگارش این مقاله بررسی انواع تعزیر و مجازاتهای تعزیری در جامعه می باشد. در این مقاله که ابزار جمع آوری اطلاعات آن به روش کتابخانه ای است، به روش توصیفی - تحلیلی به بررسی تعزیر می پردازد و سعی شده است ابتدا مفهوم تعزیر بیان شده و سپس انواع و شیوه های تعزیر در اسلام و مصادیق تعزیر در روایات، بررسی و در ادامه تعزیر حکومتی و مجازاتهای تعزیری و... مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد.

کلمات کلیدی: انواع تعزیر، شیوه های تعزیر در اسلام، تعزیر حکومتی، مجازات های تعزیری.

مقدمه

«حدود» جمع حدّ و در لغت به معنی منع است، و انتخاب این اسم برای بخشی از مجازات های شرعی به این جهت است که سبب منع مردم از کارهای خلاف می شود، و اما در اصطلاح شرع و در عبارات فقها به معنی مجازات مخصوصی است که به خاطر ارتکاب بعضی از گناهان در مورد مکلفین اجرا می شود. اما «تعزیر» در لغت به معنی «تأدیب» و گاه به معنی «بزرگداشت» و «یاری کردن» و «منع نمودن» آمده است، و در اصطلاح شرعی و فقهی به معنی مجازات یا اهانتی است که اندازه معینی در شرع برای آن ذکر نشده و بسته به رای قاضی است؛ که با در نظر گرفتن میزان جرم و مقدار تحمل مجرم درباره او اجرا می شود.

بنابراین فرق حدّ و تعزیر در یک جمله است و آن اینکه حدّ مجازات معین و ثابتی است، ولی تعزیر غالباً نامعین است، و اینکه می گوئیم غالباً به خاطر آن است که در موارد معدودی تعزیرات معینی در روایات



اسلامی وارد شده که شرح آن در کتاب حدود گفته شده است، هر چند در اینکه آیا تعیین مقدار در این موارد قطعی است یا از قبیل ذکر مثال و مصداق است؟ نیز گفتگو است. البته در میان حد و تعزیر اختلافات دیگری نیز هست، تا آنجا که مرحوم شهید در کتاب قواعد «ده وجه» برای اختلاف آن دو شمرده است که اینجا جای شرح آن نیست.^۱

تعزیر یعنی کیفی در شرع از حیث مقدار مشخص نیست و در مقابل حد است و در فقه بر کیفی اطلاق می‌شود که برخلاف حد، شارع مقدس اندازه‌ای برای آن تعیین نکرده است^۲ جایگاه اصلی بحث آن، باب حدود است؛ گرچه در بابهایی مانند صوم، حج، تجارت و نکاح نیز به مناسبت از آن سخن رفته است.

در مسالک الافهام در تعزیر چنین آمده است که «تعزیرات» جمع «تعزیر»، در لغت به معنای ادب کردن و در اصطلاح شرع عبارت از عقوبتی است که در غالب موارد در اصل شرع برای آن اندازه‌ای معین نگردیده است.^۳

تعزیر در ادیان و شرایع الهی پیشین

در شرایع الهی پیشین افزون بر مجازاتهای با قانون ثابت و غیر قابل انعطاف، مانند قصاص^۴ و حد مرتد^۵، مجازاتهایی نیز وجود داشت که جنبه عمومی و ثابت نداشت، بلکه به تناسب نوع جرم و شخصیت مجرمان تعیین می‌شد.

شماری از مهم‌ترین موارد این مجازاتها که می‌توان آنها را به عنوان مصادیق تعزیرات در این شرایع برشمرد و در قرآن مورد اشاره قرار گرفته، عبارت‌اند از:

تازیانه زدن: یکی از روشهای تعزیر در شریعت حضرت ایوب (علیه السلام) تازیانه زدن بود، از این رو چون در هنگام بیماری او، همسرش تخلفی کرد، سوگند یاد کرد که در صورت

۱ قواعد شهید، جلد ۲، صفحه ۱۴۲

۲ جواهر الکلام ج ۴۱، ص ۲۵۴.

۳ مسالک الافهام ج ۱۴، ص ۳۲۵.

۴ مائده/سوره ۵، آیه ۴۵.

۵ کتاب مقدس، تثنیه، ۱۷: ۱ - ۷؛ لاویان، ۲۴: ۱۵ - ۱۶.



بهبودی، او را صد تازیانه بزند؛ اما پس از بهبودی همسرش را بخشید^۱؛ ولی برای فرار از ارتکاب حَنْث (شکسته شدن) سوگند، به دستور الهی چندین تازیانه را به هم منضم کرد و یک ضربه به او زد: «و خذْ بِيَدِكَ ضِعْثًا فَاضْرِبْ بِهِ و لا تَحْنَتْ»^۲.

درباره نوع تخلف همسر ایوب و علت تعیین این مجازات برای وی، مفسران امور مختلفی را ذکر کرده‌اند^۳.

به بردگی گرفتن: یکی از کیفرهای سرقت در میان بنی اسرائیل در عصر حضرت یوسف (علیه السلام) به بردگی گرفتن همیشه یا موقت سارق بود^۴، بر همین اساس هنگامی که بنیامین، برادر یوسف، به سرقت متهم شد، برادران وی تملک خود سارق را مجازات سرقت او دانستند: «قالوا جَزَاؤُهُ مَنْ وُجِدَ فِي رَحْلِهِ فَهُوَ جَزَاؤُهُ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ»^۵.

به نظر برخی، این مجازات تنها در میان مردم کنعان و شریعت حضرت یعقوب (علیه السلام) معمول بوده است و آنان سارق را به تناسب ارزش مال مسروق تا زمانی به بردگی می‌گرفتند؛ اما مجازات سرقت در مصر جز این بود، زیرا آنان سارق را با تازیانه زدن و دریافت غرامتهای سنگین مجازات می‌کردند، از این رو حضرت یوسف (علیه السلام) نمی‌توانست طبق قانون حاکم بر مصر، بنیامین را نزد خود نگاه دارد: «كَذَلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ»^۶.

منزوی کردن و مصادره اموال

در آیه ۹۷ سوره طه از مجازات سامری به سبب جرم بزرگ او، یعنی گمراه کردن بنی اسرائیل، یاد شده که حضرت موسی (علیه السلام) او را از مراوده با مردم منع کرد: «قَالَ فَاذْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ»^۷. برخی مفسران گفته‌اند: آن حضرت به مردم

۱ التبیان، ج ۸، ص ۵۶۸ و فتح القدير، ج ۴، ص ۴۳۹.

۲ ص/سوره ۳۸، آیه ۴۴.

۳ مجمع البیان، ج ۸، ص ۳۶۵ و فتح القدير، ج ۴، ص ۴۳۹ و نمونه، ج ۱۹، ص ۲۹۹.

۴ التبیان، ج ۶، ص ۱۷۳ و مجمع البیان، ج ۵، ص ۴۳۵ و نمونه، ج ۱۰، ص ۴۰.

۵ یوسف/سوره ۱۲، آیه ۷۵.

۶ یوسف/سوره ۱۲، آیه ۷۶.



فرمان داد که با سامری سخن نگویند، غذا نخورند و هیچ تماسی با او نداشته باشند. در پی این فرمان، سامری شهر را ترک کرد و رو به بیابان نهاد.^۱

عده‌ای نیز بر آن‌اند که تعبیر «لامِساس» به یکی از قوانین جزایی شریعت موسی (علیه السلام) درباره مرتکبان گناهان سنگین اشاره دارد و بر پایه آن، مجرم چنان پلید و گناهکار تلقی می‌شد که هیچ‌کس با او تماس نمی‌گرفت.^۲ مجازات دیگر سامری، گرفتن گوساله وی و سوزاندن و به دریا افکندن آن بود: «وَانظُرْ إِلَى الْهَيْكَةِ الَّتِي ظَلَمْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا»^۳. شماری از فقها این کار حضرت موسی (علیه السلام) را مصداق تعزیر مالی دانسته‌اند که در شریعت اسلام نیز جاری است.

تعزیر در اسلام وانواع آن

اسلام نیز همچون دیگر شرایع الهی برای پاک کردن جامعه از ظلم و فساد، افزون بر تشریح حدود در مورد جرایمی خاص، مرتکبان دیگر جرایم را نیز مستحق مجازات دانسته است.

مشروعیت تعزیر در اسلام با توجه به آیات

از مفهوم آیه: «وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغْيِرٍ مَّا اَكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَنًا وَاِثْمًا مُّبِينًا»^۴ می‌توان مشروعیت تعزیر را در شریعت اسلام استفاده کرد، زیرا این آیه کسانی را مذمت می‌کند که مسلمانان را بدون ارتکاب هیچ‌گونه جرمی بیازارند، بنابراین مفهوم آن دلالت دارد که اذیت کردن دیگران، مانند اجرای حد و تعزیر، در صورتی که شخص مرتکب جرمی شده باشد مجاز است.

در آیه ۱۹ سوره نور اشاعه دهندگان کارهای زشت در مورد مؤمنان، مستحق مجازات دردناک شناخته شده‌اند: «إِنَّ الَّذِينَ يُجِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ ءَامَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»^۵

۱ جامع البیان، ج ۱۶، ص ۲۵۶.

۲ فی ظلال القرآن، ج ۴، ص ۲۳۴۹.

۳ طه/سوره ۲۰، آیه ۹۷.

۴ احزاب/سوره ۳۳، آیه ۵۸.

۵ نور/سوره ۲۴، آیه ۱۹.



واژه «فاحشه» در این آیه را گوناگون تفسیر کرده‌اند؛ مانند زنا^۱، سخن یا کار زشت و چیزی که سبب خواری مؤمن و سقوط شخصیت او نزد دیگران می‌شود. مقصود از تعبیر «يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ» به نظر برخی اقدام عملی برای ترویج این کارها^۲ و مراد از «عَذَابُ أَلِيمٌ» به نظر برخی حد و به نظر عده‌ای دیگر تعزیر^۳ است. جواز تعزیر از آیات دیگری که به برخی مجازاتهای موقتی مجرمان اشاره دارند نیز قابل استفاده است.

مصادیق تعزیر در روایات

در برخی احادیث شیعه و اهل سنت تنها تازیانه زدن به عنوان تعزیر ذکر شده است. نظر برخی از فقها نیز همین است. در برابر، احادیثی دیگر، مصادیق دیگری را برای تعزیر ذکر کرده‌اند^۴. بسیاری از فقها با استناد به این دسته از احادیث و برخی آیات قرآن، علاوه بر جلد، مجازاتهای دیگری را نیز مصداق تعزیر دانسته‌اند؛ مانند توبیخ، زندانی کردن، سختگیری در خوراک، تبعید، تراشیدن موی سر، گرداندن در شهر، سیاه کردن صورت، محروم کردن از اشتغال به شغلها و مناصب خاص و گرفتن اموال.

انواع و شیوه‌های تعزیر در اسلام

مهم‌ترین انواع و شیوه‌های تعزیر که در قرآن کریم بدانها اشاره شده، عبارت‌اند از :
ایذاء: آیه «وَالَّذَانِ يَأْتِيَنَّهَا مِنْكُمْ فَادْوَهُمَا» مسلمانان را امر می‌کند که مردان و زنان مرتکب عمل فحشا را آزار دهند. برخی مراد آیه را همه مردان و زنان، چه همسر دار و چه بی‌همسر دانسته‌اند؛ اما بیشتر مفسران آن را مختص مردان و زنان زناکار بی‌همسر می‌دانند^۵
و برخی مراد از فاحشه که در آیه قبل آمده و ضمیر «يَأْتِيَنَّهَا» در آیه مذکور به آن اشاره دارد را لواط و مساحقه دانسته‌اند. مراد از «ایذاء» در این آیه، توبیخ زبانی یا ضربه زدن با کفش

۱ مجمع‌البیان، ج ۷، ص ۲۳۲ .

۲ منهاج‌الفاواه، ج ۲، ص ۷.

۳ زبدة‌البیان، ص ۳۸۷ .

۴ وسائل‌الشیعه، ج ۲۷، ص ۳۳۴.

۵ تفسیر قرطبی، ج ۵، ص ۸۶ .



یا دست است. برخی مراد از آن را هرگونه آزار زبانی و عملی دانسته‌اند. در برخی احادیث، ایذاء در این‌آیه به زندانی کردن تفسیر شده است. مجازات تعزیری مذکور در این آیه برای این مجرمان به صدر اسلام اختصاص داشت و با نزول آیات مربوط به حدود، این مجازات نسخ گردید. به این نسخ در احادیث اهل بیت (علیهم السلام) نیز اشاره شده است.

بیرون راندن از موطن و تخریب اموال: یکی از مجازاتهای تعزیری، بیرون راندن مجرم از شهر خود و نیز مصادره یا از بین بردن اموال اوست.^۱ بر همین اساس بود بیرون کردن بنی‌نضیر از خانه و سرزمین خود و تخریب نخلستانهای آنان: «هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ مَا نَعْتُهُمْ حُصُونَهُمْ مِنَ اللَّهِ... مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لِينَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَىٰ أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَ لِيُخْزِيَ الْفَاسِقِينَ»^۲. جرم آنان نقض پیمانی بود که با پیامبر و مسلمانان بسته بودند.

به نقلی دیگر، آنان با طرح نقشه‌ای قصد کشتن پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) را داشتند که خداوند آن حضرت را از این توطئه آگاه کرد.

نمونه قرآنی دیگر، تهدید منافقان و شایعه سازان به تبعید از شهر مدینه است: «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا». (احزاب/۶۰، ۳۳) جرم آنان را برخی منابع آزار دادن زنان مدینه ذکر کرده‌اند.

نیز گفته شده که برخی از آنها برای تضعیف روحیه مسلمانان اخباری نادرست، مانند شکست خوردن مسلمانان یا کشته شدن همه آنان در جنگها را منتشر می‌کردند.

نمونه دیگر اینکه در پی ساختن مسجدی به دست منافقان با هدف تفرقه انداختن میان مسلمانان و ایجاد پایگاهی برای دشمنان خدا و رسول، و نزول آیاتی، مبنی بر منع پیامبر (صلی الله علیه وآله) از نماز خواندن در آن: «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَ لِيُحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ أَنََّّهُمْ لَكَاذِبُونَ • لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا»^۳.

۱ پیام قرآن، ج ۱۰، ص ۲۱۵-۲۱۳.

۲ حشر/سوره ۵۹، آیه ۵-۲.

۳ توبه/سوره ۹، آیه ۱۰۸-۱۰۷.



آن حضرت، به دو نفر از مسلمانان به نام عاصم بن عوف و مالک بن دخشم دستور داد که مسجد منافقان را تخریب کنند و آن را آتش بزنند.

ممنوعیت معاشرت با مجرم

آیه «و عَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خَلَفُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَ ضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَن لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ^۱» از ماجرای سه مسلمان سخن به میان آورده که عرصه بر آنان تنگ شده بود و راهی جز توبه و بازگشت به سوی خدا نداشتند. این آیه، درباره کعب بن مالک، مراره بن ربیع و هلال بن امیه نازل شد که با پیامبر (صلی الله علیه وآله) در جنگ تبوک همراهی نکردند؛ اما پس از جنگ پشیمان شدند و از آن حضرت بخشش خواستند؛ ولی حضرت نه تنها خود با آنان سخنی نگفت، بلکه دیگران را نیز از معاشرت با آنان منع کرد و حتی همسران و فرزندانشان نیز با آنان سخن نمی گفتند، از این رومجبور شدند شهر را ترک کنند و به بیابانها بروند. پس از ۵۰ روز، با نزول آیه، توبه آنان پذیرفته شد.

محرومیت از حضور در جنگ و بهره‌مندی از غنائم

آیه «فَإِنْ رَجَعَكَ اللَّهُ إِلَى طَائِفَةٍ مِنْهُمْ فَاسْتَدْنَوْكَ لِلْخُرُوجِ فَقُلْ لَنْ تَخْرُجُوا مَعِيَ أَبَدًا وَ لَنْ تُقَاتِلُوا مَعِيَ عَدُوًّا إِنَّكُمْ رَضِيتُمْ بِالْقُعُودِ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَاقْعُدُوا مَعَ الْخَلِيفِينَ^۲» از محروم شدن برخی افراد از همراهی با پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) در صحنه نبرد سخن گفته است. این افراد، شماری از منافقان یا کسانی بودند که بدون عذر در جنگ تبوک شرکت نکردند. در سوره فتح نیز به گروهی دیگر از تخلف کنندگان از جهاد اشاره شده که وقتی شنیدند پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) در جنگی در آینده غنائم بسیار به دست خواهد آورد، درخواست همراهی و شرکت در آن جنگ را کردند؛ ولی آن حضرت به علت تخلف آنان در جنگهای گذشته، این خواسته را نپذیرفت: «سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انطَلَقْتُمْ إِلَى مَغَانِمَ لِتَأْخُذُوهَا ذَرُونَا نَتَّبِعْكُمْ يُرِيدُونَ أَن يُبَدِّلُوا كَلِمَ اللَّهِ قُلْ لَنْ تَتَّبِعُونَا كَذَلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلُ^۳» این آیه پس از بازگشت از حدیبیه و هنگامی نازل شد که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله)،

۱ توبه/سوره ۹۰، آیه ۱۱۸ .

۲ توبه/سوره ۹۰، آیه ۸۳ .

۳ فتح/سوره ۴۸، آیه ۱۵ .



فتح خیبر و به دست آوردن غنایم فراوانی را بشارت داده. موجب این آیه این غنایم مخصوص شرکت کنندگان در حدیبیه بود و آنها که حضور نداشتند از مشارکت در جنگ خیبر و بهره‌مندی از غنایم آن محروم شدند.

نپذیرفتن زکات

یکی دیگر از شیوه‌های تعزیر خطاکاران نپذیرفتن زکات آنان است. در سوره توبه از پیمان برخی از مسلمانان با خداوند یاد شده، مبنی بر اینکه اگر خداوند آنان را از فضل خود روزی دهد، زکات دهند و از صالحان باشند؛ اما پس از برآورده شدن خواسته آنان، به پیمان خود وفادار نماندند و مغضوب خداوند شدند: «...و مِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ اللَّهُ لِنِئَانِنَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ • فَلَمَّا آتَاهُمْ مِنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَ تَوَلَّوْا وَ هُمْ مُعْرِضُونَ • فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَ بَمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ^۱». مورد نزول این آیات، ثعلبه بن حاطب بود که پیوسته از پیامبر (صلی الله علیه وآله) می‌خواست که برای ثروتمند شدن وی دعا فرماید و با آن حضرت عهد کرد که در صورت ثروتمند شدن، حقوق مالی خود را ادا کند؛ اما پس از دعای آن حضرت و برآورده شدن خواسته‌اش، حتی زکات مال خود را هم نپرداخت. پس از نزول آیات مزبور، وی از کرده خود پشیمان شد و زکات اموالش را نزد رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) آورد؛ ولی حضرت آن را نپذیرفت. بعدها خلفا نیز از پذیرش زکات اموال وی خودداری کردند.

تعریف تعزیر در قانون مجازات اسلامی

در ماده ۱۶ قانون مجازات اسلامی درباره تعریف تعزیر چنین آمده: «تعزیر، تأدیب و یا عقوبتی است که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و به نظر حاکم واگذار شده است از قبیل حبس و جزای نقدی و شلاق که میزان شلاق بایستی از مقدار حد کمتر باشد». معروف و مشهور میان فقها ثبوت تعزیر در مطلق ارتکاب حرام و ترک واجب است. برخی نیز آن را به مواردی اختصاص داده‌اند که شارع امر به تأدیب و تعزیر کرده است.



مرتکب گناه کبیره از روی عمد و علم، تعزیر می‌شود، مانند کسی که به حرمت شراب علم دارد و آن را حلال نمی‌داند، اگر آن را بفروشد، تعزیر می‌شود و در صورت آگاهی نداشتن از حرمت آن، تعزیر نمی‌شود.

مقدار تعزیر بستگی به نظر حاکم شرع دارد که به اقتضای زمان و مکان، نوع گناه و مرتکب شونده آن، تفاوت می‌کند، ولی همواره از بالاترین حد شرعی (صد تازیانه) کمتر است. برخی گفته‌اند تعزیر از پایین‌ترین مرتبه حد شرعی (۷۵ تازیانه) نیز باید کمتر باشد. برخی دیگر قائلند تعزیر در جرایمی که با جرایم دارای حد شرعی مانند زنا و قذف، تناسب دارد، باید کمتر از حد آن باشد، مانند بوسیدن یا عملی بجز آمیزش با زن اجنبی که با زنا تناسب دارد یا ناسزاگویی که با قذف تناسب دارد.^۱

انواع تعزیر

تعزیرات بر دو گونه‌اند: تعزیر شرعی و تعزیر حکومتی. منظور از تعزیرات شرعی مجازات‌هایی است که برای خاطیان و متخلفان از قوانین شرعی مانند ترک واجبات و ارتکاب محرمات به اجرا درمی‌آیند. چنان که حضرت امام علیه السلام می‌فرماید: هر کس یکی از محرمات را - غیر از آنهایی که شارع در آن حد معین کرده - با علم به حرام بودنش انجام دهد، تعزیر می‌شود؛ خواه آن محرمات از گناهان کبیره باشد یا صغیره. برخی از کارها موجبات تعزیر شرعی می‌باشد که از جمله آنها جرایم بر ضد عفت و اخلاق عمومی، هتک حرمت اشخاص و ... می‌باشد که در ذیل به آنها اشاره می‌گردد.

جرایم بر ضد عفت و اخلاق عمومی: هرگاه مرد و زنی که بین آنها علقه زوجیت نباشد، مرتکب عمل منافی عفت غیر از زنا، از قبیل بوسیدن، زیر یک لحاف خوابیدن، معانقه کردن و کامجویی‌هایی از این قبیل شوند، با شلاق تا نود و نه ضربه تعزیر خواهند شد و اگر عمل با عفت و اکراه باشد فقط اکراه کننده تعزیر می‌شود.^۲

هتک حرمت اشخاص: توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک مانند «ای فاسق»، «ای فاجر»، «ای شرابخوار» و غیر اینها از الفاظی که موجب استخفاف دیگری

۱ جواهر الکلام ج ۴۱، ص ۴۴۸.

۲ ماده ۱۰۱، قانون مجازات اسلامی، ص ۱۶۳.



است، درحالی که طرف، مستحق آن نباشد موجب مجازات تعزیری تا سی ضربه شلاق خواهد بود و اگر مخاطب مستحق آن الفاظ باشد، موجب چیزی نمی‌شود.^۱

دشنام دادن: هر دشنامی که باعث اذیت شنونده شود و قذف نباشد، مانند اینکه کسی به زنش بگوید: «تو باکره نبودی»، یا کسی به دیگری بگوید: «ای دیوث»، «تو حرام‌زاده‌ای»، «ای حرام‌زاده»، «ای فرزند حیض» و... موجب محکومیت گوینده به شلاق تا هفتاد و چهار ضربه می‌شود.

قذف بچه ممیز: هرگاه بچه ممیز کسی را قذف کند به نظر حاکم تأدیب می‌شود.^۲

نسبت‌های ناروا غیر از زنا: هرگاه کسی امری غیر از زنا یا لواط، مانند مساحقه و سایر کارهای حرام را به شخصی نسبت دهد به شلاق تا هفتاد و چهار ضربه محکوم خواهد شد.

سرقت اطفال: اگر بچه غیر بالغ چیزی را بدزد طبق نظر حاکم تأدیب می‌شود، اگر چه چندین بار دزدی کرده باشد.

سرقت‌های فاقد شرایط اجرای حد: سرقتی که فاقد شرایط اجرای حد باشد و موجب اخلال در نظم یا خوف شده یا بیم تجرّی مرتکب با دیگران باشد، اگر چه شاکی نداشته یا شرعی: تعزیرات شرعی با دو بار اقرار (به احتیاط واجب) و شهادت دو مرد عادل اثبات می‌شود. از این رو، در تمام تخلفات شرعی هنگامی که وقوع جرم پیش حاکم شرع ثابت شود، او دستور اجرای تعزیر را صادر می‌کند.

تعزیر حکومتی: منظور از تعزیرات حکومتی مجازات‌هایی است که از طرف حکومت به منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع، در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین می‌گردد.^۳

مجازات‌های بازدارنده

این نوع کیفرها در تعبیرات امام خمینی قدس سره «مجازات‌های بازدارنده» نامیده شده‌است. به استفتای زیر در این باره توجه نمایید.

۱ ماده ۸۶، قانون مجازات اسلامی، ص ۱۵۹.

۲ تحریر الوسیله ج ۲، ص ۴۷۴.

۳ دیدگاه‌های جدید در مسائل حقوقی، دکتر حسین مهرپور، ص ۱۲۴-۱۲۳.



استفتا: برای اداره امور کشور قوانینی در مجلس تصویب می‌شود مانند قانون قاچاق ، گمرکات و تخلفات رانندگی، قوانین شهرداری و به‌طور کلی احکام سلطانیه ، و برای اینکه مردم به این قوانین عمل کنند، برای متخلفین مجازات‌هایی در قانون تعیین می‌کنند . آیا این مجازات‌ها از باب تعزیر شرعی است و احکام شرعی تعزیرات از نظر کمّ و کیف بر آنها بار است، یا قسم دیگر است و از تعزیرات جدا هستند و اگر موجب خلاف شرع نباشد باید به آنها عمل کرد؟

جواب- در احکام سلطانیه که خارج از تعزیرات شرعیه در حکم اولی است متخلفین را به مجازات‌های بازدارنده به امر حاکم یا وکیل او می‌توانند مجازات کنند.

مجازات‌های بازدارنده در تعبیر حضرت امام قدس سره اموری از قبیل حبس ، جزای نقدی، تعطیل محل کسب ، لغو پروانه و محرومیت از حقوق اجتماعی و اقامت در نقطه یا نقاط معین و منع از اقامت در نقطه یا نقاط معین و مانند آن را در برمی‌گیرد.

کارهایی که تعزیر حکومتی دارد

برخی از کارها هستند که موجب تعزیر حکومتی می‌شود که از جمله می‌شود به گران فروشی، کم فروشی و تقلب، احتکار و ... اشاره نمود که در ذیل به این موارد پرداخته می‌شود .

گران‌فروشی

گران‌فروشی عبارت است از عرضه کالا یا خدمات به بهای بیش از نرخ‌های تعیین شده توسط مراجع رسمی به‌طور علی‌الحساب، یا قطعی و عدم اجرای مقررات و ضوابط قیمت‌گذاری و انجام هر نوع اقدامات دیگر که منجر به افزایش بهای کالا یا خدمات برای خریدار گردد .

گران‌فروشی تا مبلغ بیست هزار ریال در مرتبه اول موجب جریمه از پنج هزار ریال تا پنج برابر میزان گران‌فروشی می‌گردد و پروانه واحد نیز مُهر «تخلف اول» می‌خورد. مرتبه دوم موجب جریمه از ده هزار ریال تا ده برابر میزان گران‌فروشی، قطع تمام یا برخی خدمات دولتی از یک تا شش ماه می‌گردد و پروانه واحد نیز مُهر «تخلف دوم» می‌خورد .



مرتبۀ سوّم علاوه بر اخذ جریمه، موجب تعطیل موقت از یک تا شش ماه و نصب پارچه به‌عنوان گران‌فروش است و در مرتبۀ چهارم موجب تعطیل و لغو پروانه واحد می‌گردد.^۱ برای گران‌فروشی از مبلغ بیش از بیست هزار ریال تا مبلغ دویست هزار ریال و نیز از مبلغ دویست هزار ریال تا یک میلیون ریال و نیز گران‌فروشی بیش از مبلغ یک میلیون ریال جریمه‌های تعزیری مختلفی مقرر شده است که می‌توانید به کتاب «مجموعه مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام ص ۸۲-۸۳ مراجعه کنید».

کم‌فروشی و تقلب

کم‌فروشی و تقلب عبارت است از عرضه کالا یا خدمات کمتر از میزان و مقادیر خریداری شده از نظر کمی یا کیفی که مبنای تعیین نرخ مراجع رسمی قرار گرفته است. تعزیرات کم‌فروشی و تقلب با توجه به میزان و مراتب آن عیناً مطابق تعزیرات گران‌فروشی می‌باشد.^۲

احتکار

احتکار عبارت است از نگهداری کالا به صورت عمده با تشخیص مرجع ذیصلاح و امتناع از عرضه آن به قصد گران‌فروشی یا اضرار به جامعه پس از اعلام ضرورت عرضه توسط دولت. **تعزیرات احتکار:** در مرتبۀ اول موجب الزام به فروش کالا و اخذ جریمه معادل ده درصد ارزش کالا، مرتبۀ دوم موجب فروش کالا توسط دولت و اخذ جریمه از بیست تا صد درصد ارزش کالا، مرتبۀ سوّم موجب فروش کالا توسط دولت، اخذ جریمه از یک تا سه برابر ارزش کالا، قطع تمام یا قسمتی از سهمیه و خدمات دولتی تا شش ماه و نصب پارچه در محل واحد به‌عنوان محتکر و در مرتبۀ چهارم علاوه بر مجازات مرتبۀ سوم، موجب لغو پروانه واحد و معرفی از طریق رسانه‌های گروهی به‌عنوان محتکر می‌گردد.

تعزیر کودک و برده

برای ادب کردن کودک و برده، تعزیر به بیش از ده تازیانه مکروه است.^۳

۱ مجموعه مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام، ص ۸۱-۸۲.

۲ همان ص ۸۳

۳ جواهر الکلام ج ۴۱، ص ۴۴۴.



جرم موجب تعزیر از دو راه ثابت می‌شود: اقرار مجرم، یا گواهی دو نفر عادل. در کفایت یک مرتبه اقرار یا لزوم دو مرتبه، اختلاف است.

اگر تعزیر شونده هنگام تحمل تعزیر بمیرد، بنابر مشهور دیده ندارد.^۱ در اغلب کتاب‌های فقهی کیفرهای تعزیری در شکل تازیانه منعکس گردیده است که از نظر حداقل، مقدار معین ندارد و حداکثر آن باید کمتر از مقدار حد باشد. در تعزیرات شرعی، مجازات از طریق تازیانه زدن - با در نظر گرفتن کمیت و کیفیت جرم و حال مجرم - امری مجاز است. ولی آیا در این‌گونه تعزیرات می‌توان مجرم را با انواع دیگر مجازات‌ها از قبیل زندانی کردن، تبعید و جریمه مالی و مانند آن به کیفر رساند یا خیر؟ در تعزیرات حکومتی چطور؟ به استفتایی که در این باره از حضرت امام قدس سره شده توجه نمایید.

استفتا: حبس، نفی بلد، تعطیل محل کسب، منع از ادامه خدمت در ادارات دولتی، جریمه مالی و به‌طور کلی هر تنبیهی که به‌نظر می‌رسد موجب تنبّه و خودداری از ارتکاب جرائم می‌گردد، جایز است به‌عنوان تعزیر تعیین شود یا در تعزیرات به مجازات‌های منصوص باید اکتفا کرد؟

جواب - در تعزیرات شرعی احتیاط آن است که به مجازات‌های منصوصه اکتفا شود، مگر آنکه جنبه عمومی داشته باشد، مثل احتکار و گران‌فروشی که با مقررات حکومتی داخل در مسأله دوم (منظور از مسأله دوم همان استفتا درباره «مجازات‌های بازدارنده» است که توضیح آن در همین فصل ذکر شده است)، می‌باشد.

ویژگیهای مجازات تعزیری

۱- جرائم تعزیری به موجب قانون مشخص شده است و مجازات آن نیز به موجب قانون است.

۲- میزان مجازات طبق قانون، بین حداقل و حداکثر در اختیار قاضی صادرکننده حکم می‌باشد.

۳- قابل تخفیف، تعلیل و آزادی مشروط می‌باشد.



جایگزینهای مجازات زندان

از آغاز سده نوزدهم که زندان به عنوان مجازات اصلی جایگاه مهمی در میان نمونه های مختلف واکنش اجتماعی علیه عمل مجرمانه پیدا کرد، سلب آزادی از محکومان، رفته رفته خاصیت ترعیبی خود را از دست داد و اصلاح و بازسازی محکومان جای آن را گرفت. بدین منظور، هم قانونگذاران ملی و هم سازمانهای منطقه ای و بین المللی چون شورای اروپا و سازمان ملل، جداگانه یا با همکاری همدیگر کوشیدند تا شیوه های اداره و سازمان دهی مجازات زندان را دگرگون سازند، تا بلکه از این طریق بتوان حقوق محکومان را بهتر رعایت کرد. مهمترین اقدام سازمان ملل را در این مورد می توان تصویب «حداقل قواعد لازم الرعایه در مورد رفتار با زندانیان» دانست.

اما با تمام تلاشهایی که راجع به اصلاح زندانها صورت گرفت، نتایج به دست آمده ناامیدکننده بود و بازپروری اجتماعی و اصلاح مجرمان در زندانها، تقریباً مردود شناخته شد. در کنار این اقدامات که هزینه های هنگفتی را بر دولتها تحمیل کرد، دیدگاه جدیدی به تدریج کوشید تا توسل به کیفر سالب آزادی را به حداقل برساند و جایگزینهای مناسبی برای آن جستجو کند. تردیدی نیست که حامیان این نظریه با عنایتی که به واقعیات دارند، معتقدند که در اوضاع و احوال کنونی، هنوز هم افرادی هستند که باید از «آزادی تردد» آنان جلوگیری شود و به عبارتی زندانی شوند، ولی قبول این مطلب نباید به منزله پذیرش تعمیم مجازات زندان تلقی شود. آنان معتقدند که سلب آزادی از محکومان، باید به عنوان «آخرین حربه» و آنگاه که هیچ شیوه و راهکار قابل اعتماد دیگری نباشد، به عنوان واکنش جامعه در مقابل مجرمان به کار گرفته شود.

براین اساس، حامیان این نظریه به جای زندانی کردن مجرمان، اقدام به ابداع شیوه های جدید مجازات مجرمان، از قبیل جزای نقدی، خدمات عام المنفعه، حبس در منزل، مجازاتهای سالب و یا محدود کننده حقوق و... نمودند تا حتی الامکان بتوانند جلو آثار زیانبار زندان را بر جامعه، فرد زندانی و خانواده او بگیرند.

این گونه اقدامات را می توان به دو دسته ضمانت اجراهای مالی و ضمانت اجراهای آموزشی اجتماعی تقسیم کرد:



الف) ضمانت اجرای مالی:

۱- **جزای نقدی** در بسیاری از کشورها در جهت سیاست حبس‌زدایی و تلاش در راستای رفع بحران حاکم بر زندانها، دگرگونی عمیقی در نظام مجازاتها و ضمانت اجرای کیفری ایجاد شده است و این طور به نظر می‌رسد که گرایش به سوی جزای نقدی بیش از سایر مجازاتهای جایگزین، نمود یافته است. چنانکه می‌بینیم قانون‌گذار فرانسوی با حذف زندان از لیست مجازاتهای جرایم خلافی، راه را برای استفاده هر چه بیشتر قضات از جزای نقدی در مورد این جرایم هموار ساخته است یا در مورد حبس‌های جنح‌ای هم اجازه تبدیل آنها را به جزای نقدی داده است و یا ملاحظه می‌شود که قانون‌گذار آلمان، کیفر جزای نقدی را الزاماً، مگر در موارد بسیار استثنایی، جایگزین مجازات زندان به مدت کمتر از ۶ ماه کرده است.

پس تغییراتی این چنینی که در قوانین سایر کشورها نیز اتفاق افتاده، همگی حاکی از مشکلات پدید آمده از ناحیه اعمال مجازات زندان، و تلاش کشورها برای رهایی و حل آنهاست. ارزیابی این اقدام حقوقدانان در مقام مقایسه کیفر جزای نقدی با مجازات زندان و سایر مجازاتها امتیازاتی برای آن ذکر کرده اند، که به موارد ذیل می‌توان اشاره کرد:

- جزای نقدی فاقد آثار روحی روانی است و موجب فساد و تباهی فرد نمی‌شود.
- تکرار آن، برخلاف مجازات زندان، موجب از بین رفتن اثر بازدارنده آن نیست.
- ایجاد تناسب بین جرم و جزای نقدی از هر مجازات دیگری آسان‌تر است.
- بهترین عامل بازدارنده برای جرایم علیه اموال محسوب می‌شود.
- اجرای آن نه تنها هزینه‌ای برای دولت در بر ندارد، بلکه منبع درآمدی نیز محسوب می‌شود و ...

اما وجود این امتیازات در جزای نقدی، باعث فراموشی از عیوب آن نشده، بنابراین می‌بینیم که حقوقدانان به بیان آن پرداخته‌اند که بعضی از آنها عبارتند از:

- اعمال این مجازات مغایر با اصل شخصی بودن مجازاتهاست.
- این مجازاتها به علت اینکه بر افراد فقیر، بیش از غنی فشار وارد می‌کند، ناعادلانه و نابرابر است.



- اجرای این مجازاتها حتمی نیست، چرا که در موارد بسیاری منجر به حبس افراد می-شود...

وجود این اشکالها در جزای نقدی، باعث کم رنگ شدن امتیازات فراوان آن بر مجازات زندان شده است، به گونه‌ای که همین عیوب، حتی امتیازات آن را تحت الشعاع قرار داده است. همین امر باعث شده که حقوقدانان به فکر برطرف کردن این نقص‌ها بیفتند و شیوه‌های جدیدی را در مسیر اعمال و اجرای این مجازاتها ابداع نمایند.

- برنامه جایگزین جزای نقدی: این برنامه، برای اولین بار، در سال ۱۹۸۳ در ایالت «مانیتوبا» (Manitoba) واقع در کشور کانادا ایجاد شد. هدف اصلی از ایجاد این برنامه، کاهش تعداد مجرمانی بود که به خاطر عدم توانایی در پرداخت جریمه نقدی به زندان افتاده بودند. به بیان روشن‌تر، این برنامه، عکس‌العملی در مقابل این واقعیت بود، که در آن ایالت زندانها تبدیل به «زندانهای بدهکاران» (prisons Debtors) شده بود. زیرا قشر عمده‌ای از زندانیان، افرادی بودند که قدرت و توان لازم را برای پرداخت جزای نقدی نداشتند. بطور مثال، در سال ۱۹۸۲، ۲۴ درصد (۷۹۱ نفر) از زندانیانی که مجوز ورود به مؤسسات اصلاحی ایالتی را دریافت کرده بودند، افرادی بودند که به خاطر عدم توانایی در پرداخت جزای نقدی، راهی زندان شده بودند. مقررات مربوط به این قانون، تحت عنوان مقررات برنامه جایگزین جزای نقدی نام‌گذاری شد. بر طبق این مقررات، مجرمان می‌توانند در «مراکز کاریابی عام-المنفعه» ثبت نام نمایند کاری که این مراکز برای این گونه مجرمان می‌کنند، مثل همان کاری است که برای مجرمان محکوم شده به خدمات عام‌المنفعه انجام می‌دهند؛ به این صورت که برای ثبت نام کننده‌ها، کاری مناسب در جامعه ترتیب می‌دهند، سپس بر انجام کامل آن نظارت می‌کنند. ضمانت اجرای این برنامه هم این است که اگر فرد از انجام کار محوله سرباز زند، مجدداً دستگیر می‌شود و به میزان انجام همان کار عام‌المنفعه، راهی زندان می‌شود.

ضمناً باید توجه داشت که دادگاه در مورد شخص محکوم به جزای نقدی، نظر نمی‌دهد، که او باید، یا می‌تواند وارد این برنامه شود، بلکه افراد در استفاده از این برنامه آزاداند. حتی استفاده از این طرح، اختصاص به افرادی ندارد که ناتوان از پرداخت جزای نقدی هستند،



بلکه افرادی که توانایی پرداخت جزای نقدی را هم دارند، می‌توانند در این برنامه، نام نویسی کنند.

۲- مصادره اموال: یکی دیگر از اقداماتی که می‌تواند، جایگزین مجازات زندان شود، ضبط تمام و یا قسمتی از اموال محکوم علیه به نفع دولت می‌باشد. ضبط و مصادره اموال را بطور کلی به دو نوع می‌توان تقسیم کرد: یکی مصادره عمومی و دیگری مصادره اختصاصی. **= مصادره عمومی:** عبارت است از ضبط اموال موجود محکوم علیه، اعم از منقول و غیرمنقول. این گونه مصادره مجازاتی بسیار مؤثر است؛ زیرا علاوه بر شدت، جنبه کاملاً ارعابی دارد. اما باید به این امر توجه کرد که آثار این نوع محکومیت، تنها به شخص محکوم علیه محدود نمی‌شود بلکه خانواده و دیگرکسان او را نیز متأثر می‌سازد. از این حیث، این مجازات را مغایر موازین انصاف و عدالت شناخته‌اند.

= مصادره اختصاصی: عبارت است از این که مالکیت برخی از اشیاء که به نحوی با جرم در ارتباط بوده، به دولت اختصاص پیدا کند. این اشیاء گاهی موضوع جرم است و عمل مجرمانه بر روی آن انجام شده، مانند کالایی که بطور قاچاق و غیرقانونی وارد کشور شده است و گاهی ممکن است که مال مورد مصادره حاصل جرم باشد، مانند پول و درآمدی که از طریق فروش کالای قاچاق به دست آمده و گاهی ممکن است مال مورد مصادره آلت جرم باشد، مانند وسیله نقلیه‌ای که برای حمل و نقل کالای قاچاق مورد استفاده قرار می‌گیرد. در بعضی از کشورها، از این مجازات به عنوان جایگزینی برای زندان استفاده می‌کنند، مانند فرانسه، هلند و آلمان. آن گونه که ماده ۲۱ قانون جزایی فرانسه به تبیین این مجازات پرداخته و مقرر می‌دارد:

«... مجازات ضبط و مصادره، در مورد اشیایی اعمال می‌شود که در ارتکاب جرم به کار رفته و یا استفاده از آن در ارتکاب جرم مقصود بوده و یا در نتیجه ارتکاب جرم به دست آمده است و ... زمانی که شیء مصادره شده به دست نیامده یا نمی‌تواند مورد شناسایی قرار گیرد، به مصادره ارزش آن حکم داده می‌شود. برای وصول تمامی مبلغ معادل ارزش شیء مصادره شده، مقررات مربوط به الزام به وصول، از طریق بازداشت قابل اعمال می‌باشند...»



اما راجع به مواردی که می توان از این مجازات به عنوان جایگزین زندان استفاده کرد، باید متذکر شویم که قانونگذار فرانسه بر اساس مواد ۱۲ و ۱۴ اجازه استفاده از این مجازات را، در جرائم خلافی به قضات داده است. همچنین بنا بر مواد ۳ و ۶ قضات می توانند از این مجازات، در جرائم جنحه‌ای استفاده نموده و مستقیماً آن را مورد حکم قرار دهند و یا از آن به عنوان بدل و جایگزین زندان استفاده نمایند.

اما در مورد جنایات، قضات می توانند از این مجازات و دیگر مجازاتهای محروم کننده و محدودکننده حقوق، فقط به عنوان یک مجازات تکمیلی استفاده نمایند.

اما در حقوق ایران، مجازات ضبط و مصادره اموال، به عنوان مجازات اصلی مورد حکم قرار

نمی گیرند، بلکه در بعضی موارد، از این مجازات به عنوان مجازاتی تکمیلی استفاده می شود. از این قبیل به موارد زیر می توان اشاره کرد: ماده ۷۰۹ در مورد آلات و اسباب قمار که حسب مورد به موجب حکم دادگاه معدوم و یا ضبط می شوند و ماده ۵۲۲ که مربوط به مصادره سگه قلب می باشد و یا ماده ۷۱۲ که مربوط به مصادره اموال حاصل از طریق تکدی و کلاشی می باشد.

۳- پرداخت غرامت به مجنی علیه: یکی دیگر از مجازاتهایی که جنبه مالی دارد و می تواند به عنوان جایگزین مناسبی برای زندان در نظر گرفته شود، مجازات پرداخت غرامت و جبران خسارت وارده بر مجنی علیه می باشد. به عقیده بعضی از جرم شناسان، هنگامی که طبیعت جرم اقتضای حبس مجرم را ندارد، حکم به پرداخت غرامت به مجنی علیه، حتی از محکومیت وی به جزای نقدی نیز بهتر است؛ چرا که مبلغ حاصله از جزای نقدی به خزانه دولت واریز می شود، در حالی که در این جا غرامت به شخص مجنی علیه پرداخت می شود و همین امر باعث جلب رضایت وی و رفع آلام و کدورتها از وی می شود.

با توجه به این امر است که بعضی کشورها سعی کرده اند، با گنجاندن این نوع از مجازات در قوانین کیفری خود، تا حدودی بر مشکلات عارضه از ناحیه زندانها فایق آیند. به عنوان مثال، در کشور کانادا به قضات اجازه داده شده که در بعضی موارد، با صدور قرار پرداخت غرامت مجرم به مجنی علیه، از اعمال مجازات دیگری در مورد وی صرف نظر نمایند. قانون



به دو طریق اجازه صدور این قرار را به قضات داده است: یکی این که بر طبق ماده ۷۲۱ قانون مجازات کانادا، قاضی می تواند این مجازات را مستقیماً مورد حکم قرار داده و مجرم را ملزم به پرداخت غرامت به مجنی علیه نماید. و دیگری این که، بر طبق ماده ۷۳۷ قانون مجازات کانادا، قاضی می تواند پرداخت غرامت به مجنی علیه را یکی از شرایط تعلیق قرار داده و مجرم را ملزم نماید که به هر شخصی که بر اثر ارتکاب جرم، به وی آسیبی وارد شده است، غرامت پرداخت نماید.

نحوه تعیین غرامت نیز به این صورت است که در ابتدای امر، گزارشی توسط هماهنگ کننده های غرامت، که در سیستم تعلیق مشغول به کار هستند، برای دادگاه تهیه می شود. گزارش حاوی این مطالب است، میزان خسارت وارده بر مجنی علیه، اوضاع و احوال جرم ارتكابی، نقطه نظرات بزه دیده، ارزیابی از میزان توانایی مجرم نسبت به پرداخت غرامت و پیشنهادی در این مورد که آیا حکم به پرداخت غرامت، مناسب است یا خیر؟ و اگر مناسب است، تا چه میزان؟ اجرای این قرار در کانادا آثار مفیدی بر جای گذاشته، چنانکه برآورده می شود که در حال حاضر ۶٪ از مجرمان بزرگسال در دادگاههای استانی ایالت مانیتوبا، محکوم به همین مجازات شوند.

ب) ضمانت اجرای آموزشی:

۱- **خدمات عام المنفعه:** یکی دیگر از اقداماتی که می تواند بطور مستقیم، جایگزین مجازات زندان شود، خدمات عام المنفعه است. در حال حاضر، در اکثر کشورها برای پیشگیری از خطرات و مفسد زندانها و جلوگیری از تماس مجرمان جوان و فاقد سابقه کیفری با مجرمان سابقه دار و کاستن از مخارج سرسام آور زندانها، قرار خدمات عام المنفعه را در قوانین کیفری خود گنجانده اند.

قرار خدمات عام المنفعه عبارت است از: حکمی که دادگاه، مجرم را با توجه به رضایت وی، به جای فرستادن به زندان، به انجام کاری مجانی و بدون دریافت مزد، به تعداد ساعاتی معین، برای جامعه یا یکی از مؤسسات خیریه و عام المنفعه به نمایندگی از کل جامعه ملزم می نماید.



اما اولین کسی که پیشنهاد استفاده از توان کاری مجرم را عوض از مجازات وی به طرق مرسوم مطرح کرد، بکاریا در رساله جرایم و مجازاتهایش بود. وی در مورد سرقتهای بدون خشونت معتقد است:

«این گونه سرقتها باید با کیفیهای مالی مجازات شود؛ زیرا کسی که در صدد ثروتمند شدن با مال دیگران است، باید شاهد ناچیز شدن ثروت خویش باشد. ولی چون معمولاً این جرایم ناشی از فقر و ناامیدی می شود... مناسبترین کیفی که می توان آن را عادلانه نامید، فقط نوعی بردگی است؛ یعنی بردگی موقت که کار و مزد مجرم را در خدمت جامعه قرار می دهد تا به این صورت خودکامگی ناعادلانه او که با نقض پیمان اجتماعی محقق شده، جبران شود.»

۲ = حبس در منزل: یکی دیگر از اقداماتی که در راستای به حداقل رساندن استفاده از زندان در سیاست جنایی امروزی مطرح است، حبس مجرم در منزلش است؛ به این صورت که محکوم به این اقدام، محکومتش را در خانه و اقامتگاه خویش سپری می کند. به موجب این تصمیم، دادگاه محکوم را ملزم می کند که از منزل خارج نشود و در مواقع ضروری نیز به شرطی می تواند منزل را ترک کند که پیش از آن، از قاضی ناظر پرونده اجازه گرفته باشد. از مهمترین امتیازات این اقدام، به مواردی مانند جلوگیری از ورود افراد به زندان و تأثیرپذیری از آن، کم هزینه بودن و صرفه جویی اقتصادی، حفظ انسجام خانوادگی، تأمین منافع جامعه به وسیله دور نگه داشتن فرد از جامعه و ... می توان اشاره کرد. اما در مورد مشمولان این روش، باید خاطر نشان کرد که هر چند در ابتدای امر، از این روش برای اطفال بزهکار استفاده می شد، ولی در حال حاضر، نسبت به سایر مجرمان، همانند زنان مجرم و یا مجرمانی که از سن و سال بالایی برخوردار هستند و یا از لحاظ سلامت جسمانی در وضعیت مطلوبی به سر نمی برند، قابل اعمال است؛ آن گونه که مثلاً در ایالت متحده از این روش نسبت به مجرمان جوان و افرادی که اقدام به رانندگی در حال مستی می کنند، استفاده می شود. یا در ترکیه، از این مجازات، نسبت به مجرمانی که بیش از ۶۵ سال عمر دارند و یا از لحاظ وضعیت سلامتی در حالتی نیستند که در زندان نگهداری شوند، استفاده می شود.



۳- الزام به گذراندن دوره های آموزشی: یکی دیگر از اقداماتی که می تواند

جایگزین مجازات زندان شود، الزام فرد به گذراندن دوره های آموزشی، اجتماعی است. این اقدام، غالباً در مورد مجرمانی که مرتکب جرایم راهنمایی و رانندگی شده اند، اعمال می شود. بر طبق این اقدام، محکوم، ملزم به گذراندن دوره های آموزشی اجتماعی می شود که مقدار و زمان آن در مقررات و قوانین جزایی پیش بینی شده است. در خلال این دوره ها، آموزشهای لازم را به فرد می دهند تا بدین وسیله، حتی الامکان دوباره مرتکب جرم نشوند و از طرفی، از همنشین شدن این افراد با مجرمان سابقه دار در محیط زندان جلوگیری به عمل آید.

در بعضی از کشورها از این اقدام به نحو گسترده ای استفاده می شود. چنانکه می بینیم در حقوق انگلستان، به قضات این اجازه داده شده که بر حسب سن فرد و نیازهای آموزشی و ضرورت های توجیهی وی، او را به مدت ۳ الی ۳۶ ساعت فراگیری آموزش های لازم، محکوم نماید.

Archive of SID



اهداف مجازاتهای تعزیری

در نظام جزائی، زمانی که صحبت از اجرای نوع خاصی از مجازات به میان می‌آید، بدون شک اهداف و خواسته‌های عمل مورد نظر می‌باشد. این اهداف در عصر و زمانی دچار تغییرات و دگرگونی شده، چنانچه زمانی مجازاتها جنبه اخلاقی و زمانی جنبه ارعابی و گاهی نیز هدف مجازات اصلاح و تربیت مجرم بوده است. جهت سهولت موضوع، ابتدا اهداف مجازات را از نظر اسلام مورد بررسی قرار داده و سپس اهداف مذکور را براساس حقوق عرفی مورد گفتگو قرار خواهیم داد.

الف- اهداف مجازات از نظر اسلام

در حقوق جزا اسلامی به فطرت انسانی توجه زیادی شده و آن را پاک و منزه می‌داند چرا که می‌گوید: «وَتَفَحْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» در آن از روح خود بدمم. و از آنجائی که کمال جوئی در فطرت انسان گنجانیده شده می‌بایست عدالت مطلق را که در قرآن مجید کراراً از آن یاد شده، بر جهان حکمفرما کنند تا به مقصود برسند و این عدالت تنها از طریق حاکمیت اسلام بر جهان امکان پذیراست. در حاکمیت اسلام، برای ارشاد مجرمین راههای گوناگونی در نظر گرفته شده، ولی گاهی اوقات در آخرین مرحله، اسلام این اجازه را داده است که مجرمین را به کیفر اعمال خود برسانند.

بطور کلی اهداف مجازات از نظر قرآن مجید به شرح زیر است:

۱- اصلاح مجرمین

اصلاح مجرمین بوسیله تهذیب نفوس و دوری از گناه از طریق توبه. پس هرکه بعد از ستمی که کرده، توبه نمود و کار خود را اصلاح کرد، از آن پس خدا او را خواهد بخشید که خدا بخشنده و مهربان است.

۲- ارعاب دیگران



دومین هدف مجازات ، از نظر حقوق جزای اسلامی ، ارباب دیگران به منظور جلوگیری از ارتکاب جرم است. «بگو روی در زمین سیر کنید تا بنگرید که عاقبت کار بدکاران به کجا کشید و چگونه همه هلاک شدند.

۳- جلوگیری و پیشگیری از ارتکاب جرم

دین اسلام از طریق قراردادان مراحل مختلف، سعی و کوشش در جلوگیری و پیشگیری از ارتکاب جرم دارد. «مردان زنان مؤمن همه یار و دوستدار یکدیگرند. خلق را به کار نیکو وادارد واز کار زشت منع کن». بنابراین قراردادان امر به معروف و نهی از منکر موجبات جلوگیری از ارتکاب جرم را فراهم می سازد.

ب= اهداف مجازات از نظر حقوق عرفی

اهداف مجازات از نقطه نظر عرفی به سه دسته هدف سودمندی ، هدف اخلاقی و هدف اصلاحی تقسیم می شود :

۱. هدف سودمندی

مهمترین هدفی که حقوق جزای عرفی از ابتدا دنبال نمود ، همان هدف سودمندی است. منظور از سودمندی و جنبه اربابی مجازات این است که به وسیله اعمال کیفری نسبت به مجرمین ، از طرف اشخاص غیر مجرم که قصد ارتکاب جرم را دارند، مرعوب شده و گرد ارتکاب جرم نگردند که به آن نقش «پیشگیری عمومی» می نامند. از طرف دیگر خود مجرم از ارتکاب جرم جدید ، خودداری نماید که به آن نقش «پیشگیری فردی» می نامند.

۲- هدف اخلاقی

عدالت و اخلاق از قدیمترین اصول موثر در امر مجازات می باشد امانوئل کانت معتقد بود که اگر مجازات، از نظر اجتماعی متضمن فایده هم نباشد، ولی باید مجرم را به کیفر رسانیده که تا بدین ترتیب، عدالت رعایت شود. گر چه امروزه نقش اخلاقی ، نقش اصلی مجازات نیست واصولاً در تحمیل مجازات، منظور فقط جبران و پاداش عمل ارتكابی گذشته



نیست، بلکه تضمین دفاع اجتماع بوسیله اصلاح مجرم نیز هدف از مجازات محسوب می-
شود، مه هذا لزوم تنبیه اخلاقی تبهکار در اعماق فکر مردم که عقیده دارند، باید مجرم دین
خود را به جامعه ادا کند باقی و پابرجاست.

۳- هدف اصلاحی

در زمان اخیر با توسعه افکار و عقاید مکتب تحقیقی و دفاع اجتماعی نوین، اصلاح
و تربیت مجرم از اهداف مهم و خطیر مجازات قرار گرفت، به نحوی که پیشنهادها و نظرها و
برنامه‌ریزیهای بسیاری از طرف متخصصین امور جزائی، علمای جامعه‌شناسی، روان‌شناسان و
علوم ذیربط دیگر ارائه شد تا محکومین تحت تاثیر اقدامات و تمهیدات مؤثر اصلاح گردیده و
مجدداً وارد اجتماع شده و همچون دیگران به زندگی شرافتمندانه‌ای بپردازند.

نتیجه گیری

با توجه به معنا و مفهوم تعزیر و با دقت در ادله ای که مبنی بر عمومیت مفهوم تعزیر
ارائه شد، معلوم می شود که حاکم جامعه اسلامی برای تنبیه بزهکاران و مجرمان از
اختیارات کامل برخوردار است و می تواند از انواع مجازاتها، متناسب با شخصیت مجرمان و
جرایم ارتكابی آنها، همانند موعظه، توبیخ، تذکر کتبی یا شفاهی، پرداخت غرامت به مجنی
علیه، جریمه مالی، نگه داری در مراکز آموزشی و یا بازپروری، محرومیت از اشتغال به شغلی
خاص، تعطیلی محل کار و فعالیت، انجام کارهای عام المنفعه، حبس در منزل، زندان و هر
نوع اقدامی را که برای اصلاح فرد (که دربردارنده اصلاح جامعه است) متناسب تشخیص داد،
استفاده کند و محدودیتی در این زمینه برای وی وجود ندارد. زیرا مجازات وسیله ای برای
اصلاح و تربیت مرتکب جرم و جلوگیری از ارتكاب جرایم مجدد وی و همچنین جلوگیری از
انحراف و آلودگی سایر افراد جامعه می باشد و دارای نقش بسزایی در جامعه می باشد.
از آنجا که در این مقاله به انواع و روشهای تعزیر اشاره گردید، پیشنهاد می گردد پژوهشگران
عزیز در حوزه های مختلف اجتماع و نقش تعزیر بر بهبود وضعیت اجتماعی نیز پژوهشهایی
انجام دهند.

قدردانی: باتشکر از سرکار خانم راضیه عباسی حوزه علمیه فاطمه الزهرا(س) گله دارفارس که در به ثمر رسیدن این مقاله، نگارنده رایاری فرمودند.



مراجع

- قرآن کریم
- انصاری، مرتضی بن محمد امین، ۱۳۹۰، المکاسب، ج ۱، قم، ناشر مجمع فکر الاسلامی.
- امین الاسلام طبرسی، فضل بن علی، مجمع البیان.
- امام فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، ج ۲۵، بیروت، مکتب تحقیق دار احیاء التراث.
- اردبیلی، محمد علی، ۱۳۷۷، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان.
- ابن جریر الطبری، ۱۳۲۵ هـ، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، مصر، مطبعه الامیریہ.
- این جوزی، ۵۹۷ هـ، زاد المسیر فی علم التفسیر، ج ۲.
- العروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، نور الثقلین، ج ۱، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- بکاریا، سزار، ۱۳۸۸، رساله جرائم و مجازاتها، ترجمه محمد علی اردبیلی؛ تهران؛ انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۸۷، تفسیر قرطبی، ج ۵، قم، مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی.
- حسینی الروحانی، سید محمد صادق، فقه الصادق (علیه السلام)، ج ۱۴، قم، انتشارات آیین دانش.
- حر عاملی، محمد بن حسن، ۹۳۳ ق، وسائل الشیعه.
- دبیرخانه مجمع تشخیص مصلح نظام، ۱۳۸۸، مجموعه مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام، انتشارات مجمع تشخیص مصلحت.
- دکتر مهرپور، حسین، ۱۳۸۷، دیدگاههای جدید در مسائل حقوقی، انتشارات اطلاعات.
- روحانی، محمد صادق، منهاج الفقاهه، ج ۲، قم، نشر انوار الهدی.
- سابق، سید، قرن ۱۴، فقه السنه، ج ۲.
- شامبیاتی، دکتر هوشنگ، ۱۳۸۷، زمینه حقوق جزای عمومی، جلد دوم.
- شوکانی، محمد بن علی، ۱۴۲۱ ق، فتح القدر، ج ۴.
- طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۱۴.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۴۲ ش، التبیان فی تفسیر القرآن .
- طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۴۰۸ ق، مجمع البحرین، ج ۱.
- فاضل جواد، جواد بن سهرید، ۱۴۲۳ ق، مسالک الافهام فی آیات الحکم، ج ۱۴.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه، ۱۳۹۰، الصافی، ج ۳، ص ۳۵.
- کاشفی، حسین، کیفیهای جایگزین زندان، مجله حقوق قضایی دادگستری، شماره ۳۶.
- کتاب مقدس، تثنیه،
- محمد بن صفوک العلی، فی ظلال القرآن، ج ۴، کویت، مکتب الصحابه دالاسلامی.
- محقق المقدس الاردبیلی، ۹۳۳ ق، زبده البیان فی احکام القرآن.
- نجفی، شیخ محمد حسن، قرن ۱۳، جواهر الکلام
- یزدی، محمد، ۱۳۸۳، فقه القرآن، ج ۲، تهران، نشر احسان.
- تفسیر عیاشی، محمد بن مسعود عیاشی، التفسیر، ج ۱، انتشارات امامیه، قم ۱۴۲۱
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، قرن ۱۲ ق، بحار الانوار، ج ۷۶.

5 Feb 2016



اولین کنفرانس علمه پژوهش راهکارهای
توسعه و ترویج آموزش علوم در ایران
۱۶ بهمن ماه ۹۴

**1st Scientific Conference on strategies
for promoting science education in Iran**

[http:// nseconf.ir](http://nseconf.ir)

طبرسی، فضل بن حسن. تلخیص: ناصری، محمدباقر ۱۴۱۳ق، مجمع البیان، ج ۳، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین حوزه
علمیه قم .

زحیلی، وهبه، ۱۴۱۱ق، المنیر، ج ۴، دمشق، انتشارات دارالفکر.

کریمی، حسین، ۱۳۶۵، موازین قضایی از دیدگاه امام خمینی (ره)، قم، انتشارات شکوری.

قانون مجازات اسلامی مصوب مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت نظام.

Archive of SID